

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.  
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.

## تغییر و تداوم عادت‌واره اقتصادی در میدان عشایری (مطالعه موردی: عشایر شهرستان گیلانغرب)

شناسه دیجیتال: <https://sociology.tabrizu.ac.ir> DOI:10.22034/JEDS.2023.52552.1669

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

یونس اکبری<sup>۱</sup>

محمد ترکاشوند مرادآبادی\*<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد کشف ساختار عادت‌واره اقتصادی در میدان عشایری است، تا بدین وسیله نگاهی واقع بینانه به نحوه عمل عشایر در عرصه تصمیم‌گیری اقتصادی بیندازد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش ساختارگرایی برساختگرا است و برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و عمیق بهره گرفته شده است. حجم نمونه شامل ۱۹ مشارکت کننده بوده که با استفاده از نمونه گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای جهت‌دار تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نوع عادت‌واره‌ای که عاملان اجتماعی درون میدان عشایری دارند بسیار مقتصدانه است. عاملان اجتماعی این میدان، به ویژه اعضای بزرگسال، هزینه مصرفی اندک و هزینه تجملی ندارند و بسیار پرتلاش و اقتصادی هستند. پرورش گوسفند برای عاملان اجتماعی این میدان امری صرفاً اقتصادی نیست، بلکه هدف و معنای زندگی است. با این حال، میدان فعالیت آنها سبب شده آن‌ها مدام در حال تلاش و کوشش بوده و با صرف کمترین هزینه بیشترین بهره اقتصادی را نصیب خود بکنند. این عاملان نسبت به شغل و دام‌های خود چنان وابستگی عاطفی‌ای دارند که توان تصور زندگی به شیوه‌ای دیگر برایشان ممکن نیست. آن‌ها به دنبال سود اقتصادی نیستند ولی عادت‌واره آن‌ها سبب شده که نتیجه کار و اعمال آن‌ها منجر به کسب سود و سرمایه‌گذاری اقتصادی شود و از اتلاف سرمایه اقتصادی اجتناب ورزند. اعضای جوان میدان، همراه با تداوم شیوه کسب سود و درآمد اقتصادی، تغییراتی اندکی در نوع نگاه به سود و فعالیت اقتصادی دارند.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد، سرمایه، عادت‌واره، تغییر، تداوم، عشایر، میدان

۱. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران  
younes.akbari1987@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزشی مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران (نویسنده مسئول)  
m.torkashvand@yazd.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

بر اساس آخرین آمار، جمعیت عشایر کشور در سال ۱۳۹۹ برابر ۱۱۰۸۶۴۰ نفر است که تقریباً ۱/۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و تقریباً یک سوم (۲۹ درصد) دام سبک کشور را در اختیار دارند. غالباً فرض بدیهی انگاشته شده در مورد زندگی عشایر این است که آنها به اجبار و برای تامین حداقل‌های زندگی و فرار از فقر و تنگدستی به زندگی کوچ‌نشینی و عشایری روی آورده‌اند و در صورت تامین حداقل‌ها از زندگی مشقت‌بار و پرزحمت عشایری و کوچ‌روی خود دست می‌کشند. علاوه بر این، عموماً اینگونه فرض می‌شود که ساختار و روابط اجتماعی و تصمیم‌گیرهای عشایر در حوزه‌های مختلف زندگی فارغ از پیچیدگی و آغشته به سادگی است و فهم آن نیاز به تلاش چندانی ندارد. به نظر می‌رسد چنین مفروضاتی بیشتر ناشی از رویکرد کمی و نگاه بیرونی بودن محققان به زندگی عشایری است که در نتیجه سبب عدم شناخت عمیق عناصر و روابط مختلف میدان زندگی عشایری و نحوه تصمیم‌گیری عشایر در موضوعات مختلف شده است.

یکی از موضوعاتی که در زندگی عشایری عموماً شناخت عمیقی در مورد آن وجود ندارد، نحوه تصمیم‌گیری و عملکرد عشایر در موضوعات اقتصادی زندگی‌شان است؛ از زیست اقتصادی زندگی عشایر چیزی که بصورت پیش‌فرض در ذهن سیاست‌گذاران، افراد آکادمیک و عامه مردم نقش بسته این است که عشایر به پرورش و فروش دام و پشم و فرآورده‌های لبنی مبادرت می‌ورزند و زندگی خود را می‌گذرانند و یا حتی اگر خواسته شود اطلاعات دقیق‌تری در مورد زندگی اقتصادی عشایر ارائه گردد به تعداد دام، میزان پشم و فرآورده‌های دامی و لبنی اکتفا می‌شود ولی باید توجه داشت چنین گزاره‌هایی بسیار کلی هستند و شناخت چندانی از سازوکار اقتصادی در جریان زندگی عشایر به ذهن متبادر نمی‌کند. نکته حائز اهمیت‌تر این است که تاکنون غالباً چنین اطلاعات کلی و یکدست‌ساز مبنای سیاست‌گذاری در مورد عشایر قرار گرفته و طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت برنامه‌ای که با چنین مبنایی طرح‌ریزی شده باشد، بتواند تاثیر مورد انتظار را ایجاد کند. در این راستا با استفاده از مفهوم عادت‌واره بوردیو، تحقیق حاضر درصدد کشف ساخت عادت‌واره اقتصادی در میدان عشایری است تا بدین وسیله فهم عمیق‌تری از این امر ارائه بکند که عشایر در زندگی اقتصادی خود چگونه عمل می‌کنند و چه عناصری در تعیین جهت اعمال اقتصادی عشایر نقش دارند. در راستای پاسخگویی به مسئله اصلی این پژوهش سوالات زیر مطرح می‌گردد:

نحوه تصمیم‌گیری عشایر در موضوعات اقتصادی به چه شکل است؟

این تصمیم‌گیری تابع چه عناصری تغییر می‌کند؟

آیا می‌توان تفکیکی بین عشایر در نحوه تصمیم‌گیری درباره موضوعات اقتصادی قائل شد؟

مختصات عادت‌واره اقتصادی عاملان اجتماعی در میدان عشایری به چه شکل است؟

## ادبیات پژوهش

در پژوهش حاضر که با رویکرد بوردیویی از میدان و عادت‌واره هدایت می‌شود، فضای زندگی عشایری به عنوان میدانی در نظر گرفته شده است که عاملان اجتماعی داخل آنها بر حسب اختلاف در اصول تفاوت‌گذار یا سرمایه‌ها، موضعی را در میدان عشایر اشغال کرده و با یکدیگر رقابت می‌کنند. بورديو بر این نظر است که تفاوت در موضع‌های اجتماعی، تفاوت در سلايق و عادت‌واره‌ها را به وجود می‌آورد و از رهگذر آن، تفاوت در موضع‌گیری‌ها شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، به ازاء هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها (یا سلايق) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۷). هدف محقق از استفاده از تئوری میدان و عادت‌واره بورديو ساختن فضای اجتماعی در میدان عشایری است. با استفاده از ترسیم فضای اجتماعی در میدان عشایری محقق به دنبال ساخت طبقات تئوریک در میدان‌ها است که رفتارها و خصایل افراد را بر حسب دارایی‌هایشان دسته‌بندی می‌کند. دسته‌بندی بر اساس طبقات اجتماعی صرفاً در پی توصیف مجموعه‌ای از واقعیات دسته‌بندی شده نیست، بلکه همچون طبقه‌بندی علوم طبیعی، به اوصاف تعیین‌کننده‌ای توسل می‌کند که، بر خلاف طبقه‌بندی نامطلوب، اجازه پیش‌بینی سایر اوصاف را هم می‌دهد (بعنوان یک مورد خاص ممکن‌الوقوع) و عاملان اجتماعی را به نحوی جمع‌آوری و متمایز می‌کند که تا حد مقدور در میان طبقه خود مشابه و نسبت به طبقات دیگر، اعم از دور و نزدیک، متفاوت باشند (همان، ۱۸). آنگونه که بورديو بیان می‌کند، افراد نه بر اساس کنش آگاهانه صرف، بلکه بر اساس عادت‌واره‌های خود عمل می‌کنند که نوعی آگاهی عملی، نوعی آموختگی ضمنی، نوعی فراست، نوعی تربیت‌یافتگی اجتماعی از نوع ذوق است که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها، روش‌ها و دیگر امور میدان خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و ...) را دریابد، درون آن پذیرفته شود، جای بیفتد و منشاء اثر شود. درواقع، عادت‌واره‌ی شخص نوعی تربیت غیرمستقیم است که باعث می‌شود فضایل (یا ردایل) پذیرفته‌شده در یک جامعه، به سهولت، به صورت ملکه‌ی ذهن، بدون نیاز به تأمل و تکلف، از عاملان اجتماعی سر بزند و به همین خاطر بورديو به‌جای واژه سوژه و کنشگر از واژه عامل استفاده می‌کند؛ زیرا به نظر او عوامل اجتماعی کسانی هستند که گماشته شده‌اند تا بر واقعیت اثر بگذارند تا واقعیت را خلق کنند؛ یعنی هم‌گزینشگر هستند و هم نیستند، بلکه عاملانی هستند که مأمور به این کنش‌ها هستند (همان: ۲۰). یکی از کارکردهای مفهوم عادت‌واره این است که از وحدت اسلوبی که اعمال و اموال یک عامل اجتماعی منفرد و یا یک طبقه از عاملان را یکسان می‌کند، خبر می‌دهد. عادت‌واره همان اصل تعمیم‌بخش، تکثیرگر و متحدکننده‌ای است که اوصاف الحاقی و مرتبط با یک موقعیت فرهنگی اقتصادی را به یک اسلوب وحدت‌گرایی زندگی ترجمه می‌کند، اسلوبی که عبارت است از؛ مجموعه‌ی وحدت‌گرایی از

انتخابها که اشخاص، افعال و اموال خاصی را بر موارد دیگر ترجیح می‌دهد. عادت‌واره‌ها هم مانند مواضع و موقعیت‌های اجتماعی که مولد آن عادت‌واره‌ها هستند، تفاوت یافته‌اند، اما اینان، علاوه بر این، تفاوت‌گذار نیز هستند (همان، ۲۲).

از سوی دیگر، در این پژوهش برای تعیین اینکه چه اعمالی از افراد در میدان عشایری باید مورد سنجش قرار گیرد تا عادت‌واره اقتصادی آنها مشخص شود، محقق تلاش کرده با عاریت گرفتن کار کلاسیک وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری جنبه‌ها یا اعمال اقتصادی را در زندگی اجتماعی استخراج بکند. برای نیل به این هدف تلاش شده با برجسته‌سازی رفتارهای پیوریتن‌ها، رفتارهایی که سمت و سوی اقتصادی دارند و عمل‌کنندگان به آنها در جهت انباشت سرمایه قدم برمی‌دارند، استخراج شود. این نوع از اعمال اقتصادی که محقق برای سنجش عادت‌واره اقتصادی عاملان اجتماعی در میدان عشایری برجسته کرده است، همانگونه که وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه» بیان می‌کند، به مانند مصادیقی چون «روحیه سرمایه‌داری»، «دیوان سالاری»، «کاریزما» و «عقلانیت» با تشدید یکجانبه‌ی یا چند دیدگاه و با ترکیب پدیده‌های عینی منفرد ساخته شده است. سپس بر حسب همان دیدگاه‌های تشدید شده به صورت یک ساختار تحلیلی یکپارچه سامان می‌گیرد. در واقع این رفتارها که ابزار سنجش عادت‌واره اقتصادی عشایر هستند، برای محقق هدف و نظریه راهنما نیستند، بلکه صرفاً یک ابزار تحلیلی هستند که از آن برای درک تعیین اینکه باید چه جنبه‌های از زندگی اجتماعی برای شناخت عادت‌واره اقتصادی سنجیده شوند، به کار گرفته می‌شوند. بنابراین محقق پس از بررسی رفتار پیوریتن‌ها در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری به این نتیجه رسید که تلاش برای به دست آوردن ثروت و سود اقتصادی، نگاه مادی‌گرایانه به تقدیر و سرنوشت، سرمایه‌گذاری مجدد سود کسب شده، پرهیز از هرگونه اتلاف وقت به هر شکل آن، دوری از هرگونه هزینه بیش از حد نیاز اولیه برای راحتی و انجام وظیفه شغلی به شکل دقیق و با تعهد زیاد نشان‌دهنده عادت‌واره مقتصدانه است. به عبارتی پیروی از این شاخص‌ها در زندگی روزمره فرد را به سمت و سوی انباشت سرمایه و کسب سود اقتصادی رهنمود خواهد کرد و هر چه فرد درصد کمتری از این شاخص‌ها را با خود یدک بکشد، دارای عادت‌واره غیرمقتصدانه‌تری است.

به‌طور کلی در این پژوهش از یک سو برای ترسیم فضای اجتماعی میدان عشایری ابتدا عناصر میدان که عاملان اجتماعی بر حسب آنها جایگاهی را درون میدان اشغال می‌کنند مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این عناصر شامل: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی، سرمایه نمادین و سرمایه فرهنگی هستند و از سوی دیگر در رابطه با مفهوم عادت‌واره اقتصادی نیز روابط پولی و مالی، پس‌انداز، مقوله نیازها و نحوه گذران وقت و فراغت، نگاه به کار و فعالیت، نگاه به حرفه و شغل (پرورش دام)، هنجارهای اجتماعی مرتبط با اقتصاد، مورد سنجش قرار گرفت.

### پیشینه تجربی تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته در عرصه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی در رابطه با مسائل مربوط به عشایر متنوع بوده و دامنه‌ی متنوع موضوعی را در برمی‌گیرند که در ادامه به مرتبط‌ترین تحقیقات با پژوهش حاضر اشاره شده است. لازم به ذکر است که رویکرد حاکم بر مرور ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق رویکرد ترتیب زمانی است.

ریچارد تاپر<sup>۱</sup> (۱۳۸۴) در کتاب «تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان» در پرتو مولفه‌های تاریخ و هویت شاهسون‌ها به بررسی خاستگاه شاهسون‌ها و چگونگی شکل‌گیری و ظهور اتحادیه‌ی طوایف شاهسون از اواخر دوره‌ی صفوی تا اوایل دوره‌ی قاجار و به ویژه در دوره‌ی نادرشاه می‌پردازد، سپس مناسبات شاهسون‌ها با دولت‌های ایران، روسیه و قدرت‌های محلی در قرن نوزدهم میلادی و نقش این ایل و رویدادهای سیاسی ایران در دوره‌ی قاجار و هم‌چنین دگرگونی‌های اجتماعی و سازمان سیاسی ایل و در نهایت علل فروپاشی اتحادیه‌ی ایلی در دوره‌ی پهلوی مورد توجه قرار داده است. عبداللهی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران: مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام» به این نتیجه رسید که الگوی برخورد دولت‌های مدرن با جامعه سنتی عشایری مبتنی بر امکان‌شناسی صحیح اسکان و توسعه نبوده، بلکه بیشتر جنبه سیاسی داشته است. جانب‌اللهی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «زیست اقتصادی عشایر؛ مطالعه موردی عشایر هداوند» به این نتیجه رسید که شیوه زیست، کوچ، بهره‌برداری از مراتع، دام‌پروری و تولید انواع محصولات دامی و لبنی ویژگی‌هایی دارد که می‌توان آن‌ها را با شرایط امروزی منطبق کرد و با مناسب‌سازی، شیوه‌های زیست و تولید انواع محصولات عشایری را بهبود بخشید. صیدزاده و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر درآمد عشایر اسکان‌یافته در استان ایلام» با استفاده از روش پیمایش و با بهره‌گیری از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای مستقل تعداد واحد دامی، سطح زیر کشت دیم، سطح زیر کشت آبی و میزان فرآورده‌های دامی تولیدی و متغیر وابسته رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. خالقی فر و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی هزینه مبادله و تأثیر آن بر روی کنش اقتصادی کارآفرینان» که بین احساس امنیت اقتصادی، سرمایه اجتماعی، اعتماد عام، اعتماد بین شخصی، مشارکت اجتماعی، همیاری، خاص‌گرایی، ثبات قوانین و بخشنامه‌ها، دخالت دولت در اقتصاد، حسن اجرای قراردادها و تضمین حقوق مالکیت با کارآفرینی نامولد ارتباط معنی‌داری وجود دارد. خالقی فر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر حکمروایی خوب

۱. Tapper, Richard

کنش اقتصادی کارآفرینان (مطالعه موردی: کارآفرینان استان همدان)» به این نتیجه رسید که به طور متوسط مؤلفه‌های حکمروایی خوب بر روی کارآفرینی مولد تأثیر مثبت دارد.

فردریک بارت<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) در پژوهشی با عنوان «عشایر جنوب ایران؛ طایفه باسری هم‌پیمانی خمه» به بررسی ایل باصری در جنوب ایران می‌پردازد. این مطالعه بر اساس اقامت سه ماهه نویسنده در میان عشایر باصری در ایران در سال ۱۹۵۸ انجام شده است. در این پژوهش بارت انواع مختلف انطباق شبانی از واحدهای ابتدایی چادرها یا خانوارها تا واحدهای بزرگتر مانند گروه‌های هم‌گله، اردوگاه‌ها، کل قبیله و تقسیمات اصلی آن، و ساختار سیاسی متحد کننده قبیله و کنفدراسیو را در محیط جنوب ایران توصیف می‌کند. وی همچنین به بررسی ویژگی‌ها و سازگاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود عشایری و شبانی مانند این جمعیت چادرنشین می‌پردازد. سالزمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در مقاله‌ی خود با عنوان «عشایر شبانی: برخی مشاهدات کلی بر اساس تحقیقات در ایران» نگاهی کلی به تحقیقات خود در مورد عشایر در ایران به ویژه عشایر بلوچ می‌اندازد. در این بررسی کلی سالزمن اینگونه استدلال می‌کند که حرکت عشایری بسیار هدفمند است و در جهت دستیابی به تولید خاص یا اهداف دیگر است. معمولاً تحرک عشایری برای پیشبرد اهداف تولید در تعدادی از بخش‌های متنوع استفاده می‌شود. با این حال، کوچ نشینی به یک نوع نظام اقتصادی وابسته نیست. برخی از عشایر تولید عمومی مصرف محور دارند و برخی دیگر تخصصی و بازار محور هستند. همچنین کوچ نشینی محدود به یک نوع زمین داری نیست. برخی از عشایر در قلمروی که تحت کنترل خود هستند مهاجرت می‌کنند، در حالی که برخی دیگر هیچ ادعای سیاسی یا قانونی بر زمینی که استفاده می‌کنند ندارند. علاوه بر این، برخی از عشایر چوپانی در مناطق منزوی و دور از سایر جمعیت‌ها زندگی می‌کنند، در حالی که برخی دیگر نزدیک به جمعیت روستایی و شهری زندگی می‌کنند. عشایر شبانی در ساختار سیاسی متفاوت هستند، از دهقانان تحت کنترل دولت، تا سرداران متمرکز، تا سرداران ضعیف، تا سیستم‌های دودمان تقسیم می‌شوند. آبرونز ویلیام<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) در کتابش تحت عنوان «یوموت ترکمن‌ها: مطالعه سازمان‌های اجتماعی در میان جمعیت ترک زبان آسیای مرکزی» به بررسی ساختار سیاسی، گروه‌های محلی، ساختار خویشاوندی و ازدواج ترکمن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. آبرونز همچنین در بخش رفتارها و ساختار اقتصادی عشایر ترکمن وضعیت توزیع ثروت، منابع درآمدی و رابطه بین اندازه خانواده و ثروت آن و همچنین ثروتی که به وسیله رابطه ازدواج منتقل می‌شود و دام به عنوان سرمایه را مورد بررسی قرار داده است. بوردیو (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «ساخت عادت‌واره اقتصادی: باز ارزیابی کارگران الجزایری» بیان می‌کند که،

۱. Fredrik Barth

۲. Salzman, Philip

۳. William Irons

ابتدایی‌ترین رفتارهای اقتصادی (کار کردن برای دستمزد، صرفه‌جویی، اعتبار، کنترل موالید و ...) تابع شرایط الزامی اقتصادی و اجتماعی‌ای هستند که هردوی نظریه‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی اقتصادی آن‌ها را نادیده گرفته‌اند. اکتساب روح حساسگری مورد نیاز اقتصاد مدرن مستلزم یک تغییر واقعی به واسطه ارتداد از اعتقادات عینیت یافته‌ای است که مبادلات را در جامعه سنتی کابیلی پی‌ریزی می‌کنند. بورديو استدلال می‌کند فهم اقتصاد محلی یک آشپز در الجزیره به او اجازه می‌دهد عقل اقتصادی عملی طبقه کارگر الجزایری در حال ظهور را در طبقه پایین کشوری تازه استقلال یافته (الجزایر) را درک کند. زلیزر<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) نیز در کتابی با عنوان «زندگی‌های اقتصادی: چگونه فرهنگ به اقتصاد شکل می‌دهد» استدلال می‌کند که به دور از پاسخ‌های ساده به انگیزه‌ها و ترجیحات شخصی محدود، کنش‌های اقتصادی ظهور می‌یابند، پایدار می‌مانند و توسط روابط ما به دیگران تغییر شکل می‌دهند. او در این کتاب چشم انداز متمایز از فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌دهد که معانی پنهان و اقدامات اجتماعی را در پشت دنیاهای ظاهرا غیرشخصی تولید، مصرف و انتقال دارایی نشان می‌دهد. هنیپی<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «کنش اقتصادی، حوزه‌ها و بلا تکلیفی‌ها» سعی در مطرح کردن مفروضات نظری رویکرد حوزه و عادت‌واره بورديو د به اقتصاد در ارتباط با ساخت سنتی حک شده در جامعه را دارد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تنها یک رویکرد تاریخی که تحلیل‌های شناختی و ساختاری و اجتماعی را به هم مربوط کند می‌تواند کفایت لازم را برای تبیین تولید، بازتولید و تغییر کنش رفتار فردی داشته باشد.

همان‌گونه که از تحقیقات ذکر شده فوق مشخص است، به صورت مشخص تحقیقی که با استفاده از نظریه حوزه و عادت‌واره بورديو قصد بررسی عادت‌واره اقتصادی را در دنیای واقعی داشته باشد در بین تحقیقات داخلی وجود ندارد. پژوهش‌های اندک خارجی نیز در رابطه با موضوع تحقیق انجام شده که هنوز حجم تحقیقات در زمینه موضوع این پژوهش به چنان حجمی نرسیده است که بتوان از نظر روش شناختی و یا بنیاد نظری به دسته‌بندی مشخصی در رابطه با آن‌ها رسید.

## روش‌شناسی

منطق روش شناختی حاکم بر این تحقیق، منطق حاکم بر روش‌شناسی بورديو در تبیین و تفسیر واقعیت اجتماعی است. در این تحقیق سعی شده مانند بورديو در روند پژوهش به فراخور نیاز برای کسب اطلاعات در رابطه با موضوع تحقیق از روش‌های متنوع بهره گرفته شود. عنوانی که بورديو برای پروژه فکری‌اش پیشنهاد کرده است «ساختارگرایی برساخت‌گرا» است. که هم پیوند

۱. Zelizer

۲. Hanappi

دهنده نظریه و روش ازسویی و هم بیانگر تعامل سوژه و ابژه و میدان و عادت‌واره از سوی دیگر است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه ساختار یافته، بهره گرفته است. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده شده است. با به کار بردن این شیوه تحلیل، پژوهشگر مصاحبه‌ها را در راستای مفاهیم مستخرج از نظریه راهنما، طبقه‌بندی و رمزگذاری کرده است. در این پژوهش با ۱۵ مشارکت کننده از میدان عشایری مصاحبه عمیق انجام شده است که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند. لازم به ذکر است در میدان عشایری به علت وجود هنجارهای سنتی، مصاحبه با زنان و دختران برای پژوهشگر امکان پذیر نبود. مصاحبه‌ها با مشارکت کنندگان عموماً در سیاه چادر عشایر و بعضاً در مراتع و در هنگام چرای گوسفندان صورت پذیرفته است. در طول فرآیند تحقیق و انجام مصاحبه‌ها سعی شده است که پس از اینکه داده‌های جدیدی از عاملانی که برحسب مشابهت در وضعیت ساختاری (حجم و ترکیب سرمایه) که منجر به مشابهت در عادت‌واره و اعمال و گفته‌های آنان می‌شود، به دست نیامد، با عاملان جدید با مشابهت ساختاری با یکدیگر و اختلاف ساختاری با سایر عاملان اجتماعی مصاحبه شود. برای به دست آوردن داده‌های معتبر ایجاد اعتماد و آشنایی یکی از ملاک‌هایی بوده است که سعی شد در کل فرآیند تحقیق لحاظ شود. برای افرادی که آشنایی با محقق نداشته‌اند سعی شد که فردی معتمد مشارکت کننده، واسطه برقراری ارتباط و مصاحبه شود. هرچند در طول فرآیند مصاحبه نیز سعی شده که از سؤالات دام برای اطمینان از صحت گفته‌های فرد بهره گرفته شود. جهت تامین اعتبار پژوهش نیز در پایان یافته‌های تحقیق با مصاحبه‌شونده‌ها به اشتراک گذاشته شد تا صحت و سقم یافته‌ها توسط مشارکت کنندگان مورد ارزیابی قرار گیرد. لازم به ذکر است طبق آخرین آمار به دست آمده از اداره امور عشایری شهرستان گیلانغرب جمعیت عشایر این شهرستان ۸۱۲۵ نفر و تعداد خانوار عشایری نیز برابر ۱۵۱۳ خانوار می‌باشد. عشایر این شهرستان اصالتاً از طایفه کلهر هستند و دارای ۲۴ تیره خالدي و یک تیره بزرگ به نام سیاه سیاه می‌باشند. تعداد دام کوچرو این شهرستان ۱۸۵۰۰۰ راس می‌باشد که فرآورده گوشتی آنها در سال حدود ۴،۰۰۰،۰۰۰ تن گوشت و نزدیک به ۳۷۰۰۰۰ کیلو پشم می‌باشد.

جدول ۱: مربوط به مشارکت کنندگان پژوهش

جنسیت	سن	شغل	تحصیلات	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان
مرد	۲۰	چوبدار	سوم دبیرستان	متاهل	۰
مرد	۴۸	گله دار	بی سواد	متاهل	۲
مرد	۲۵	چوبدار	دیپلم	مجرد	۰
مرد	۴۰	گله دار	دوم دبیرستان	متاهل	۴



۰	متاهل	دیپلم	چوبدار	۲۰	مرد
۳	متاهل	بی سواد	گله دار	۳۷	مرد
۲	متاهل	بی سواد	گله دار	۳۲	مرد
۵	متاهل	بی سواد	گله دار	۵۴	مرد
۷	متاهل	بی سواد	گله دار	۶۰	مرد
۱	متاهل	بی سواد	چوبدار	۲۴	مرد
۰	مجرد	سیکل	چوبدار	۱۸	مرد
۲	متاهل	ابتدایی	چوبدار	۲۵	مرد
۶	متاهل	بی سواد	گله دار	۵۴	مرد
۶	متاهل	بی سواد	گله دار	۶۰	مرد
۵	متاهل	بی سواد	گله دار	۴۵	مرد

### یافته‌های پژوهش

پیش از پرداختن به موضع‌گیری‌های اقتصادی عاملان اجتماعی میدان عشایری نیاز است که ابتدا وضعیت سرمایه‌های موجود در میدان عشایری مشخص شوند چرا که عاملان اجتماعی برحسب میزان و ترکیب سرمایه‌های خود موضعی را در این میدان‌ها به خود اختصاص می‌دهند و از ترکیب سرمایه‌های فرد، که به واسطه تجربیات مشخصی که در طول فرآیند زندگی خود جهت یافته است، عادت‌واره‌ای شکل می‌گیرد که این عادت‌واره موضع‌گیری فرد را نسبت به موضوعات مختلف زندگی اجتماعی هدایت می‌کند.

### وضعیت سرمایه اقتصادی در میدان عشایری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که از نظر داشتن سرمایه اقتصادی عشایر از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند، بطوری که نمی‌توان طبقه پایین یا همان طبقه‌ای که درآمد آنها در حدمرار معاش روزانه است، بین آنها یافت. به عبارتی، عشایر مورد مطالعه در این تحقیق یا از وضعیت متوسط یا از وضعیت بالایی از نظر سرمایه اقتصادی برخوردار بودند و نمی‌توان طبقه پایین را برای آنها متصور شد.

طبقه متوسط میدان عشایری عموماً دارای سرمایه‌ی اقتصادی‌ای هستند که می‌توانند طی مدت ۴ الی ۵ سال پس انداز به خرید خانه یا مغازه و زمین برای ساخت خانه مبادرت ورزند. این طبقه از میدان عشایری برای هر یک از پسران خود خانه و جهیزیه تهیه کرده و اگر توان مالی به

آنها اجازه دهد به خرید ماشین باری نیز برای آنها مبادرت می‌ورزند. علاوه بر این، این طبقه تعدادی گوسفند نیز به عنوان سهم پدری به فرزندان پسر خود می‌بخشند. غالباً تعداد دام آنها از ۱۵۰ راس فزونی نمی‌یابد که از این تعداد، بخش کوچکی را گوسفندانی تشکیل می‌دهند که برای فرد دیگری که صاحب قرق است و جو و علوفه گوسفندانش را تامین می‌کند در گله خود نگهداری می‌کنند.

مرد عشایر طبقه متوسط در این باره می‌گفت «غیر از گوسفندها هیچ درآمد دیگری نداشتیم. خدا برکت بده. درآمدشون خوب بوده، ازشون راضی‌ام. دو تا خونه با آنها خریداری کردم. زمین برای ساخت خانه خریداری کردم. دو تا خونه باهاشون ساختم».

در مورد عاملان دارای سرمایه اقتصادی بالا در میدان عشایری وضعیت کمی متفاوت از وضعیت عاملان دارای سرمایه اقتصادی متوسط است. عاملان این طبقه دارای تعداد گوسفندان بیشتری نسبت به عاملان طبقه متوسط میدان عشایری هستند. علاوه بر این عاملان این طبقه غیر گوسفندان خود حاضر به نگهداری از گوسفندان افراد دیگر در قبال جو، قرق و علوفه و... نیستند.

عاملان دارای سرمایه اقتصادی بالا در میدان عشایر از درآمد حاصل از پرورش گوسفندان به میزان بیشتری نسبت به عاملان طبقه متوسط خانه و مغازه و زمین برای ساخت خریداری کرده‌اند. این عاملان همچنین برای فرزندان پسر خود علاوه بر خانه و مغازه و جهیزیه مبادرت به خرید ماشین باری می‌کنند.

مرد عشایر دارای سرمایه اقتصادی بالا در رابطه با این موضوع می‌گفت «حدود ۲۰۰ تا گوسفند دارم الان البته بعضی وقت‌ها تا ۲۷۰ تا هم میشه. تا حالا چند تا خونه و زمین و مغازه باهاشون گرفتم. غیر از گوسفندها درآمد دیگه‌ای هم ندارم».

لازم به ذکر است که در میدان عشایری طبقه‌ای نوظهور وجود دارد که شامل نسل جوان عشایر است که از راه چوبداری به امرار معاش می‌پردازند و به پشتوانه پدر عشایر خود درآمد قابل توجهی از این راه کسب می‌کنند. این عاملان همچنین علاوه بر چوبداری به پشتوانه خانواده پدری خود تعدادی گوسفند نیز پرورش می‌دهند و که درآمد آن نیز به همراه درآمد حاصل از چوبداری به اندازه‌ای است که می‌توان این عاملان را دارای سرمایه اقتصادی متوسط محسوب کرد. این عاملان اجتماعی همچنین به واسطه خرید ماشین باری و کار با آن مقداری درآمد کسب می‌کنند که این درآمد صرف امور روزمره آنها می‌شوند و درآمد اصلی آنها که حاصل از چوبداری و پرورش گوسفند توسط پدر خود است، پس‌انداز می‌گردد.

جوان چوبدار عشایری در این باره می‌گفت «دیگه گله‌داری نمی‌کنم، تو شهر زندگی می‌کنم. با ماشینم کاسبی می‌کنم. البته یه تعدادی گوسفند دارم که پدرم برام نگهداری می‌کنه ازشون. خودم نمی‌تونم ازشون نگهداری کنم. مشکل شون زیاده، خودمم شهر زندگی می‌کنم،

الان زنی هم که گرفتم عشایری زندگی نمی‌کنه، البته خودمم دیگه نمی‌تونم عشایری زندگی کنم. الان هم درآمد اونها رو دارم، هم با ماشینم کاسبی می‌کنم و هم هر بهار بره می‌گیرم و چند ماه پروارشون می‌کنم و بعد می‌فروشمون».

### وضعیت سرمایه اجتماعی در میدان عشایری

سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای است که برای عاملان اجتماعی میدان عشایری کارکرد فراوانی دارد، البته جنس این سرمایه در روابط موجود در میدان عشایری از نوع درون‌گروهی است که پیوند محکمی نیز با سرمایه‌ی داشتن خانواده عشایری این عاملان دارد. به عبارت دیگر، عاملان میدان عشایری هزینه معاملات خود را به واسطه وجود این نوع سرمایه کاهش داده و سود حاصل از اعمال خود را نیز افزایش داده‌اند. درواقع، به علت اینکه تمامی عشایر زندگی پیوسته‌ای با دام دارند و حتی روابط خارج از میدان عشایری آن‌ها نیز با افراد درگیر در حوزه دام است که عموماً نیز این افراد خودی هستند، و حتی معاملات آن‌ها نیز با افراد خویشاوندی است که چوبداری می‌کنند، از این رو جنس سرمایه‌ی اجتماعی‌ای که دارند، هزینه‌هایشان را بسیار کاهش داده است. سرمایه اجتماعی عشایر برای آنها روابطی را ایجاد کرده که از یافتن خوراک دام و خود دام گرفته تا زمان فروش و مبلغ فروش و ... امتداد دارد و قابلیت تبدیل بالایی به سرمایه اقتصادی برای عشایر دارد. درواقع، نرخ تبدیل این سرمایه به سرمایه اقتصادی برای عشایر زیاد است.

جوان چوبدار عشایر درباره این موضوع می‌گفت: «بیشتر معاملاتمون رو بین خودمون انجام میدیم. همو میشناسیم. اگر مثلاً پسر عموم بره‌های منو ببره و پولمو نده میرم پیش عموم و ازش میگیرم. چون آشنا و فامیل هستیم از همدیگه خبر داریم. ازدواج هم بین خودمون میکنیم. خوب و بد همدیگه رو میدونیم و اگر دختر خوب باشه یا بد باشه از خودمونه. این بهتره».

مرد عشایر نیز در همین رابطه می‌گفت: «آشناهامون به ما می‌گویند الان گوسفند ارزان است و قراره گرون بشه دست نگه دارید فعلاً. چوبدار آشنای خودمان است و مدام داخل بازار است. به ما اطلاع می‌دهد، چوبدارهای فامیل خودمان هستند».

### وضعیت سرمایه سیاسی در میدان عشایری

سرمایه سیاسی برای میدان عشایری عنصری ناشناخته است چرا که عشایر عملاً ارتباطات چندانی در ساختار سیاسی ندارد که بتواند برای آن‌ها عایدات از جنس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... را با خود به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، شرط لازم برای ورود به ساختار سیاسی داشتن مدرک تحصیلی است و از آنجا که نسل بزرگسال عشایر فاقد سواد آموزشی هستند و نسل جوان نیز تنها سواد خواندن و نوشتن دارند، امکان حضور در ساختار سیاسی و کسب جایگاه شغلی در نظام بورکراتیک را ندارد، در نتیجه از سرمایه سیاسی چندانی نیز برخوردار

نیستند. نکته دیگر آنکه چون غالب ارتباطات نزدیک عشایر نیز با افراد خودی و درون گروه است پس عملاً آشنایان نزدیک آنها نیز به مانند خود عشایر هستند و فاقد مدرک تحصیلی و سواد آموزشی بالا برای حضور در ساختار سیاسی هستند. تنها سرمایه اجتماعی با واسطه است که برای عاملان اجتماعی میدان عشایری و به عنوان ابزاری برای دسترسی آنها به سرمایه سیاسی در موارد نادر می‌تواند، عمل بکند.

مرد عشایر در این رابطه می‌گفت: «به علی قسم تو ادارات دولتی آشنایی ندارم که اگر مسئله‌ای پیش آمد برام حلش کنه».

### وضعیت سرمایه فرهنگی در میدان عشایری

از نظر سرمایه فرهنگی در قالب تحصیلی آن می‌توان یک دسته‌بندی دو گانه در میدان عشایری داشت که در یک دسته آن نسل بزرگسالانی وجود دارد که فاقد سرمایه فرهنگی در قالب تحصیلی آن است و در دسته دیگر نسل جوانی وجود دارد که دارای سرمایه فرهنگی یا تحصیلی ناچیزی است، بطوری که عاملان این دسته دوم نهایتاً تا دوره دبیرستان به تحصیل مشغول بوده‌اند. درواقع، سرمایه فرهنگی در قالب تحصیل آن در این میدان چندان محل استفاده ندارد و غالب نسل جوان نیز که چند سالی را در محیط آموزشی سپری کرده‌اند بیشتر با هدف یادگیری سواد خواندن و نوشتن بوده است تا ترفیع در سیستم آموزشی و ورود به بازار کار و کسب جایگاه شغلی در ساختار بورکراتیک. به عبارت دیگر، در میدان عشایری هدف از کسب سرمایه فرهنگی یا تحصیلی یادگیری خواندن و نوشتن جهت رتق و فتق امور جاری روزمره از جمله انجام امور بانکی و ... غیره است.

تمایزاتی نیز در برخورداری از این سرمایه در بین دختران و پسران در میدان عشایری وجود دارد که ناشی از این امر است که قبح اجتماعی و ارزشهای فرهنگی سبب این شده است که عشایر به خود این اجازه را ندهند که دختر خود را برای تحصیل به خانه اقوام یکجانشین خود بفرستد ولی برای پسران این محدودیت وجود ندارد و در نتیجه پسران جوان عشایر از سرمایه فرهنگی یا تحصیلی بالاتری نسبت به دختران عشایر برخوردار هستند. درواقع، لازمه تحصیل برای فرزندان عشایر سپرده شدن آنها در خانه اقوام یکجانشین برای چند سال است و از آنجا که ارزشهای فرهنگی سبب شده که والدین عشایر به خود اجازه ندهند که دختران خود را برای تحصیل به خانه اقوام یکجانشین خود بفرستند (این ارزش فرهنگی در مورد فرزندان پسر وجود ندارد)، میزان تحصیلات دختران عشایر نسبت به پسران در سطح پایینتری قرار دارد که البته این تفاوت در میزان سرمایه فرهنگی عامل تمایزبخش مهمی بین دو جنس نیست چرا که تفاوت بسیار ناچیز بوده بطوری که دختران عموماً تا انتهای مقطع دبستان به مدرسه می‌روند و پسران نهایتاً تا اوایل مقطع متوسطه.

مرد عشایر در رابطه با این موضوع می‌گفت: «یکی از پسرهام تا سال سوم دبیرستان خوند و الان زن گرفته و ترک تحصیل کرده. اون یکی هم سال دوم دبیرستان هست. دخترهام هم فقط کوچیکه درس خونده، اونم تا چهارم ابتدایی. خودت که می‌دونی، زندگی عشایری هست دیگه. همیشه دختر رو بذاری خونه یکی دیگه که درس بخونه، پسر رو میشه. اگر امکانش بود، دریغ نمی‌کردم».

سرمایه نمادین در میدان عشایری به پشتوانه دام زیاد، دام نژاد خوب، هزینه کردن برای گوسفندان (در قالب خرید جو، کاه، مرتع و کلش و دارو برای گوسفندان) و دارایی زیاد که از درآمد گوسفندان ناشی شده باشد و در قالب خانه، زمین برای ساخت خانه و مغازه و حساب بانکی به دست می‌آید. از آنجاکه عشایر از میزان دارایی و هزینه‌های یکدیگر که برای گوسفندان صورت می‌دهند، اطلاع دارند کسی را معتبر می‌دانند که میزان بیشتری از دارایی‌های فوق‌الذکر را دارا باشد.

جوان چوبدار عشایر در این باره می‌گفت: «تو این دوره زمونه هر کسی به اندازه خودش دارایی داره ولی در بین خودمون «استوار» از همه بهتره، وضعش بهتره، گوسفندهای بهتری داره، دارایی بیشتری داره، نژاد گوسفند بهتری داره، زیاد خرج می‌کنه برای گوسفنداش».

### وضعیت سرمایه نمادین در میدان عشایری

سرمایه نمادین هنگامی که از مقولات فاهمه عبور کند و شکل سلسله‌مراتب کهنتری و بهتری یا همان پایین و بالا به خود بگیرد، تبدیل به خشونت نمادین می‌گردد. به عبارت دیگر، هنگامی که عامل اجتماعی میدان عشایری خود را نسبت به صاحب دارایی‌هایی که در قسمت سرمایه نمادین بیان شد، در موقعیت پایین‌تری قلمداد کند و چنین عاملانی را برتر از خود قلمداد کنند، چنین رابطه‌ای نوعی از خشونت را به همراه دارد و این اتفاقی است که در میدان عشایری به‌وضوح قابل رویت است و در مصاحبه‌ها نیز افراد به تکرار از بهتر بودن و نمونه بودن و برتر بودن این افراد نسبت به خود صحبت می‌کردند.

مرد عشایر در این باره می‌گفت: «استوار» عشایر خوبی بعدش «بختیار» خوبه. «استوار» حدود ۳۰۰ تا گوسفند داره، ۵ الی ۶ خونه داره، زمین چند قطعه داره، چوپان داره، مغازه داره، گوسفندهای خوبی داره، همه میرن از نژاد گوسفندهاش میارن داخل گله خودشون. عشایر نمونه این منطقه «استوار» هستش. «استوار» از وقتی گوسفندداری کرده، همه گوسفندهای خودش بود، از بیرون وارد گوسفنداش نکرده، مابقی عشایر بیشترشون گوسفند رو از چوبداری وارد گله‌شون کردن».

نکته جالب توجه این است که زمانی که با چنین افراد دارای سرمایه نمادین بالا نیز مصاحبه شد به صورت ضمنی و نه با بیان صریح به برتر بودن خود در میدان مذکور واقف بودند و اسم کس دیگری را به عنوان عشایر نمونه و خوب بیان نمی‌کردند.

## سرمایه‌ی داشتن خانواده عشایر (سرمایه جدید)

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نسل جوان عشایر که به چوبداری مشغول است دارای سرمایه‌ای است که قابلیت تبدیل و تولید سرمایه اقتصادی را برای آنها دارد ولی جنس آن از نوع سرمایه‌های ذکر شده در مختصات میدان نیست. درواقع، این نوع سرمایه سرمایه‌ای است که از داشتن خانواده عشایر ناشی می‌شود که هزینه نگهداری دام را برای این نسل کاهش داده و سبب شده است که درآمد بالایی نصیب نسل جوان چوبدار عشایر شود. به عبارت دیگر، در میدان عشایری می‌توان شاهد پسران جوان متاهلی بود که خانه‌ای در شهر دارند و شب را در آن به سر می‌برند و در طول روز به پشتوانه پدر کوچ‌روی خود، به چوب‌داری و کسب درآمد مشغول هستند. زنان این پسران به هیچ‌وجه مانند مادران این پسران و حتی اگر مادر خود نیز عشایر بوده به هیچ‌وجه شبیه مادر خود فعالیتی در رابطه با دام ندارند. پسران جوان به این اضطرار رنگ انتخاب داده و خود نیز پذیرفته‌اند که نمی‌توانند مانند پدران خود کوچ‌نشینی و زندگی عشایری را ادامه دهند؛ هرچند که به صورت روشن نیز از این امر آگاه هستند که وابستگی به دام و کسب درآمد از راهی که سالها با آن آشنا و عجین بوده‌اند برای آنها نه تنها امکان‌پذیر بلکه سودآور نیز هست. درواقع، نکته مهم در این میدان و برای این نسل جوان «داشتن سرمایه‌ی خانواده عشایر» است. تمامی این پسران جوان از داشتن چنین سرمایه‌ای آگاه هستند و به وضوح می‌دانند که داشتن خانواده‌ی عشایری که کار نگهداری شبانه و چرای روزانه بره‌های خریداری شده آن‌ها را متحمل شود چقدر برای آن‌ها لازم است و اگر چنین سرمایه‌ی خانوادگی‌ای را نداشتند مطمئناً نمی‌توانستند چنین درآمدی داشته باشند.

پسر جوان چوبدار عشایر در این باره می‌گفت: «مثلاً به پشتوانه پدرم چند تا گوسفند می‌خرم، پنج، شش ماه از شون نگهداری می‌کنم و بهشون می‌رسم و بعدش می‌فروشمشون و سود خوبی می‌کنم. الان پسرعمو هام هم این کار رو می‌تونن انجام بدن، چون پدرشون پشتشونه، پدرمون بهمون کمک می‌کنه تو نگهداری از گوسفندا و بره‌هایی که می‌خریم».

## موضع‌گیری‌های اقتصادی عاملان اجتماعی در میدان عشایری

### موضع‌گیری نسبت به پس‌انداز

در میدان عشایری عمده‌ی تلاش و کوشش برای ذخیره کردن سرمایه در مدت کوتاه‌مدت و پس از چند سال تبدیل این سرمایه ذخیره‌شده به خانه، زمین برای ساخت خانه و مغازه است. به عبارت دیگر، عشایر پس از فروش محصول دامی خود، به صورت عمده بهار و به صورت جزئی‌تر در پاییز، درآمد به دست آمده را در بانک پس‌انداز می‌کنند و پس از چند سال که این سرمایه به رقم قابل توجهی تبدیل شد این سرمایه پولی را به اشکال خانه، مغازه، زمین برای ساخت خانه

تبدیل می‌کنند، هرچند که در طول این مدت نیز درآمدهای متفرقه خود و زنان خود را برای خرید طلا برای زنان و دختران خود هزینه می‌کنند. درواقع، هدف اصلی عشایر از پس‌انداز پولی، تبدیل آن به اشکال مشخص سرمایه از قبیل خانه و زمین برای ساخت خانه و مغازه است.

مرد ۴۸ ساله عشایر در این رابطه می‌گفت: «پول درمباری باید زندگی تمیزی هم بکنی. آدم درآمد داشته باشه خوبه، مهم اینه که چیزی رو پس‌انداز کنی یا قطعه‌زمینی، یا خونه‌ای، یا ماشین و... پول درآوردن خالی که ارزش نداره پول درباری باید ازش استفاده کنی مهمه».

در میدان عشایری به علت درآمد بالا و هزینه کم عشایر بیشتر درآمد خود را در اشکالی که بیان شد سرمایه‌گذاری می‌کنند و تنها بخش بسیار ناچیزی از آن را برای بروز مشکلات ناگهانی مانند مریضی ناگهانی و یا نیاز ضروری به پول نقد پیش خود نگه می‌دارند. البته این را نیز باید ذکر کرد که وجود دام و پتانسیل تبدیل شدن این دام به پول نقد، این نیاز را برطرف کرده و این اطمینان خاطر را به عشایر داده است که هر لحظه که پول نقد نیاز داشته باشند با فروش دام توانایی تأمین آن را دارند.

مرد عشایر در رابطه با این موضوع می‌گفت: «آدم اگر پولی درمباره باید یک چیزی هم ازش گرو بگیره که چهار روز دیگه برا بچه‌ش بتونه یک خونه بگیره. البته باید به خودشم برسه و برای خودش خرج کنه. ولی نه این‌طور که هر چی درمباره بخوره که بقیه پشت سرش حرف دربارن. یکی از چیزایی که گوسفندها دارن و خوبه اینه که اگر نیاز ضروری داشته باشی، سریع برات نقد می‌شن. گوسفند بانک هستش، هر لحظه‌ای می‌تونن نقدش کنی».

### موضع‌گیری نسبت به کار و فعالیت

در میدان عشایری به علت یکدستی و عدم تفاوت در زندگی شغلی و حیات اقتصادی، داشتن دام و نگهداری از آن‌ها نه تنها قبح اجتماعی به همراه ندارد، بلکه نپرداختن به امور مربوط به دام برای فرد انگ اجتماعی محسوب می‌شود؛ هرچند چنین فردی عملاً در میدان زندگی عشایری وجود ندارند چراکه این میدان با فعالیت و تلاش اقتصادی درهم‌تنیده شده و هر عاملی در این میدان مسئولیت و وظیفه مشخصی در قبال دام که منبع درآمد و منبع اعتبار عشایر است، را دارد. درواقع، در میدان زندگی عشایری انگ و قبح اجتماعی در مورد پرداختن به شغل خاصی وجود ندارد چراکه عملاً یک نوع شغل وجود دارد و نپرداختن به آن و یا متمول نبودن در آن شغل سبب انگ اجتماعی می‌گردد.

مرد ثروتمند عشایر در این باره می‌گفت: «اونی که میگه من برای کی کار کنم و دربارم اشتباه می‌کنه، آدم برای خودش و اولادش زحمت می‌کشه. آدم تا جایی که می‌تونه زحمت بکشه خوبه ولی اگر نتونی دیگه حرف چیز دیگه‌س».

## موضع‌گیری نسبت به روابط پولی و مالی

محصولات دامی عشایر غالباً در فصل بهار و به‌صورت محدودتر در فصل پاییز به فروش می‌رسند. در این دو بازه زمانی عشایر هم محصول بره و هم گوسفندان مسنی که بایستی جایگزین شوند را به‌صورت یکجا به فروش می‌رسانند. غالب فروش به‌صورت یکجا است و دلیل این کار به دست آوردن عایدات مالی به‌صورت یک‌کاسه است که بتوان با آن سرمایه قابل‌توجه، مبادلات اقتصادی انجام داد. هرچند که اگر عشایر بره‌ها را به‌صورت تکی بفروشند می‌توانند به قیمت بالاتری این معامله را انجام دهند، ولی به دلیل اینکه این مقدار پول در مقابل فروش یکجا اندک است و عملاً صرف هزینه‌های جاری می‌شود از این کار اجتناب می‌کنند. فروش به‌صورت یکجا امکان برنامه‌ریزی را فراهم می‌آورد و از هزینه کردن پول برای مصارف روزانه نیز (هر چند بسیار اندک است) جلوگیری می‌کند؛ به این دلایل عشایر محصولات دامی خود را به‌صورت تکی به فروش نمی‌رسانند.

مرد عشایر در این باره می‌گفت: «سالی حدود ۲۰، ۳۰ تا گوسفند که پیر شدن رو می‌فروشیم ولی به همون اندازه بره ماده جایگزین شون می‌کنیم و بره‌ها هم به‌صورت موعدی می‌فروشیم و هم به‌صورت نقد» «بره‌هامون رو به‌صورت تکی هم نمی‌فروشیم، مگر پول نیاز داشته باشیم یا تو فشار باشیم. یا اگر گوسفند یا بره‌مون مریض باشه و گرنه به‌صورت یک‌جا می‌فروشیم».

علاوه بر این، عشایر به‌صورت روشن از قضیه آگاه هستند که حتی اگر به بره‌های آنان قیمتی که مدنظرشان است، پرداخت نکنند، می‌توانند بدون صرف هزینه و نیروی زیادی و با به تعویق انداختن فروش نه‌تنها بره‌ها را به قیمت مدنظرشان بلکه به قیمت بالاتری (به علت بزرگتر شدن محصول دامی) نیز بفروشند و سود بیشتری عاید خود کنند. به همین جهت توان چانه‌زنی بالایی دارند. دلیل عدم اضطرار به فروش فوری محصول بره این است که عشایر به علت بهره‌مندی از مرتع هزینه بسیار کمتری برای بره‌ها و گوسفندان خود دارند، به همین جهت در زمان فروش محصول دام، اضطراری برای از سر واکردن بره‌ها و خلاص شدن از شر هزینه‌های بیشتر را ندارند.

عشایر غالباً گوسفندان خود را به‌صورت تکی نمی‌فروشند و اگر این کار را انجام می‌دهند به علت درخواست خریداری است که با آن‌ها ارتباط و آشنایی دارد و احتمالاً این معامله ناشی از سرمایه اجتماعی قبلی بوده یا تبدیل به سرمایه اجتماعی در آینده می‌شود چرا که عشایر از سر نیاز بره یا گوسفند خود را به‌صورت تکی نمی‌فروشند و فروش بره به‌صورت تکی به فردی خاص نشان می‌دهد که این عشایر به او لطف داشته و به‌نوعی کالای نمادینی را مبادله کرده، حتی اگر به قیمت اصلی همان بره چنین کاری را انجام دهد؛ چراکه وی می‌توانست بدون هزینه زیاد با نگه‌داری بره سود بیشتری در آینده نزدیک به دست بیاورد. خریدار نیز از چنین موضوعی آگاه است و متوجه لطف آن عشایر به وی می‌شود و به‌مانند مبادله کالاهای نمادین در آینده به طریقی و با میزان بیشتری برای آن عشایر جبران هدیه را خواهد کرد.



نکته قابل ذکر دیگر در مورد فروش محصول دام برای عشایر این است که تعیین قیمت بره‌ها توسط مکانیسم بازار و همچنین قیمت سایر محصولات که مردم هزینه می‌کنند و هزینه‌ای که صرف پرورش دام می‌شود، تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر برای تعیین قیمت بره فاکتورهای بسیاری (از قیمت نان و میوه و... گرفته تا خوراک دام و کرایه تاکسی و...) دخیل هستند.

علاوه بر این، برخلاف تصور رایج از جامعه سنتی که جنس روابط در آن را از نوع صمیمانه و خودبه خودی و همراه با اعتماد بالا قلمداد می‌کنند، در عشایر مورد مطالعه در این پژوهش نفوذ و گسترش روابط پولی بسیار چشمگیر بود. سلطه منطق اقتصادی در روابط به صورت مشخص در معاملات و تضمین‌های بازپرداخت به وضوح مشخص است. عشایر برای معاملات خود از چک و سفته برای تضمین بازپرداختها استفاده می‌کنند که البته این چک و سفته نقش شرط لازم را برای انجام معامله دارد. شرط کافی معامله آگاهی از دارایی طرف معامله و خوشنام بودن اوست.

مرد عشایر دارای طبقه متوسط اجتماعی در این باره می‌گفت «معامله بدون چک و سفته انجام نمی‌دیم مگر فامیل باشه یا خبر از داراییش داشته باشیم وگرنه بدون چک این کار رو نمی‌کنیم».

برای عشایر در حین خرید کالاهای مورد نیاز در صورت نداشتن چک و سفته خود دام نشانی از اعتبار و تضمین بازپرداخت پول کالا است و به نوعی این اطمینان را به فروشنده کالا و محصول می‌دهد که این فرد با این تعداد دام توان پرداخت پول کالا را در آینده دارند. هرچند که به دلیل اینکه بیشتر معاملات دامی در بین عشایر و در درون هسته‌ی خویشاوندی انجام می‌گیرد و هزینه معاملات در این دایره بسیار پایین است ولی این روابط خویشاوندی نقش تضمین کننده نهایی معامله و یقین به بازپرداخت را با خود دارد ولی جای استفاده از ابزار جدید تضمین کننده معاملات که همان چک و سفته را نمی‌گیرد. ذکر این نکته نیز لازم است که سفته و قدرت اجرایی آن برای عشایر بیش از چک قابلیت اطمینان دارد، اما خوشنامی و دارایی طرف معامله شرط اصلی معامله عشایر با فرد است.

مرد عشایر در رابطه با این موضوع می‌گفت: «توبه کردم بره‌هام رو بدون چک بفروشم. امکان نداره. بیشتر به فامیل می‌فروشم، اون هم نهایتاً چک یکی دو ماهه می‌گیرم. خوددم یا باید چک بدم یا نقد بخرم، بهم نمی‌فروشن بدون چک. دوره زمونه این طور شده، زمونه خراب شده، قبلاً این طور نبود می‌رفتی ۱۰۰ تا گوسفند هم بدون پول نقد و چک می‌آوردی کسی جلوت رو نمی‌گرفت».

### موضع‌گیری نسبت به پرورش دام (حرفه و شغل) در میدان عشایری

در میدان عشایری دام محور اصلی حیات اقتصادی است که این گزاره چه برای نسل جوان و چه برای نسل بزرگسال صادق است. ولی نکته جالب این است که دام برای نسل بزرگسال

نه تنها محور اصلی حیات اقتصادی بلکه محور اصلی سایر جنبه‌های زندگی نیز هست. در واقع، این نسل به دام نه صرفاً به عنوان منبع تأمین حیات اقتصادی، بلکه خود زندگی نگاه می‌کند. زندگی بدون پرورش دام (گوسفند) برای این نسل از عشایر امکان‌پذیر نیست و به هیچ‌وجه حاضر به تغییر شغل و فروش گوسفندان نیستند. آنها حاضر نیستند گوسفندان خود را حتی به چندین برابر قیمت نیز بفروشند. اینان با دیدن گوسفندها و زندگی با آنها به زندگی کردن امیدوار می‌شوند و با سیر شدن گوسفندان احساس سیری می‌کنند، بطوریکه حتی حاضر هستند خود گرسنه بمانند ولی گوسفندان‌شان سیر باشند. به قول یکی از عشایر «گوسفند هم عشق‌بازی دارد» به همین دلیل نمی‌توانند از گوسفندان دل بکنند. ناگفته نماند که حتی برخی از این عشایر با انباشت سرمایه‌ای که داشته‌اند این امکان مالی را دارند که بدون دغدغه با فروش گوسفندان با سود دارایی‌های خود تا آخر عمر به راحتی زندگی کنند ولی کار و تلاش و زندگی با گوسفندان را به هیچ چیزی عوض نمی‌کنند.

مرد عشایر در این باره می‌گفت: «کسی تو عشایر اعتبار بیشتری داره که گوسفند بیشتری داره، دارایی بیشتری داره، حدود ۲۰۰ تا گوسفند داره، دکان داره، چند تا خونه و زمین داره. البته اگر گوسفنداش رو بفروشه میتونه به راحتی تا آخر عمر زندگی کنه. ولی دیگه عادت کرده، ذوق عشایری داره، نمی‌تونه این کار رو ول کنه. خودمم عادت کردم. خونه و ملک هم زیاد دارم. ولی عادت کردم به این عشایری، نمی‌تونم ول کنم این کار رو. نمی‌تونم برم داخل شهر زندگی کنم. ذوق و شوق داره. البته اگر برات درآمد داشته باشه ذوق و شوق داره ولی اگر نداشته باشه ارزشش رو نداره چون زحمتش زیاده».

بر اساس یافته‌های این پژوهش به احتمال زیاد در آینده‌ای نه چندان دور شاهد از بین رفتن میدان زندگی عشایری در ایران خواهیم بود و زمان تقریبی این تغییر بزرگ به اندازه یک نسل خواهد بود. علت آن از یک سو تغییرات در نظام ارزشی میدان عشایری و گرایش نسل جوان دختر به زندگی در شهر و یا به عبارت دیگر فرار از سختی زندگی عشایری (هرچند این ترجیح فقط از سوی دختران نیست بلکه پدر و مادرهای این دختران نیز به هیچ‌وجه حاضر نیستند دختران خود را روانه زندگی عشایری و سختی‌هایی کنند که خود در زندگی متحمل شده‌اند) و روی دیگر این سکه پسران عشایری هستند که شرط لازم برای ازدواج آنها کردن زندگی عشایری است.

پسر جوان ۱۸ ساله عشایر در این باره می‌گفت: «اگر زن بگیرم گوسفندها رو می‌فروشم و یا مغازه میزنم یا چوبداری می‌کنم. دیگه زندگی عشایری نمی‌کنم. امسال باشه یا سال دیگه این کار رو می‌کنم. چون اگه یه دختر رو بخوای همیشه زندگی عشایری بکنی. دیگه دوره عشایری نمونده، کسی عشایری نمی‌کنه، داره به تدریج کم میشه و می‌ریم داخل شهر. نه فقط بچه‌ها هستن که می‌خوان برن شهر. پدرم میگه گوسفندها رو ول نمی‌کنم».

این تغییرات به صورت ملموس در میدان عشایری دیده می‌شود. در حال حاضر در میدان عشایری می‌توان شاهد پسران جوان متاهلی بود که خانه‌ای در شهر دارند و شب را در آن به سر می‌برند و در طول روز به پشتوانه پدر کوچ‌روی خود به چوب‌داری و کسب درآمد مشغول هستند. زنان این پسران به هیچ‌وجه مانند مادران این پسران و حتی اگر مادر خود نیز عشایر بوده به هیچ‌وجه شبیه مادر خود فعالیت در رابطه با دام ندارند. پسران جوان نیز به این اجبار اجتماعی تن داده‌اند و به گونه‌ای با آن برخورد می‌کنند که گویی انتخاب خود آنها هم همین است و پذیرفته‌اند که نمی‌توانند مانند پدران خود کوچ‌نشینی و زندگی عشایری را ادامه دهند؛ هرچند که به صورت روشن نیز از این امر آگاه هستند که وابستگی به دام و کسب درآمد از راهی که سالها با آن آشنا و عجین بوده‌اند برای آن‌ها نه تنها امکان‌پذیر بلکه سودآور نیز هست. نکته مهم در این میدان و برای این نسل داشتن «سرمایه‌ی خانواده عشایر» است. تمامی این پسران جوان از داشتن چنین سرمایه‌ای آگاه هستند و به وضوح می‌دانند که داشتن خانواده‌ی عشایری که کار نگهداری شبانه و چرای روزانه بره‌های خریداری شده آن‌ها را متحمل شود، چقدر برای آن‌ها لازم است و اگر چنین سرمایه خانوادگی نداشتند مطمئناً نمی‌توانستند چنین درآمدی داشته باشند. ناگفته نماند که تمامی درآمد این نسل جدید از چوب‌داری نیست بلکه هر یک از این افراد ۳۰ الی ۴۰ رأس گوسفند نیز باز به پشتوانه پدر خود و با پرداخت هزینه‌های خوراک آن‌ها نگهداری می‌کنند و درآمد بره‌های آن‌ها را نیز در کنار درآمد چوب‌داری دارند. همچنین، هر یک از افراد وسیله‌ی نقلیه‌ای باری‌ای نیز خریداری کرده‌اند و خرج روزمره خود را با کار روی این وسیله باری تأمین می‌کنند و درآمد ناشی از چوب‌داری و گوسفندان نیز پس‌انداز شده و پس از چند سال به مانند پدران خود برای خرید مغازه یا خانه و یا زمین ساخت مسکن هزینه می‌شود.

جوان چوب‌دار عشایر در این رابطه می‌گفت «پدرم زحمت بیشتری می‌کشد، ولی ما فقط چند ماه زحمت می‌کشیم و همون درآمد پدرم رو، حتی بیشتر هم داریم. پدرم نمی‌تونه کار ما رو انجام بده. اگر ما می‌تونیم به پشتوانه پدرمون می‌تونیم. اگر من تو شهر زندگی می‌کنم و بره می‌خرم و میارم پیش پدرم برام نگهداری کنه، پدرم اگه بیاد شهر می‌خواد بره‌هاش رو پیش کی بذاره؟ اگر پدرم نباشه نمی‌تونیم هزار تومان دربیاریم».

### هنجارهای اجتماعی مرتبط با اقتصاد در میدان عشایری

در میدان زندگی عشایری می‌توان شاهد هنجارهایی از جنس اقتصاد بود که رو به سوی انباشت سرمایه و تلاش بیشتر دارند. توضیح بیشتر این که در میدان زندگی عشایری نوعی از چشم و هم‌چشمی یا به زبان جامعه‌شناسی نوعی محرومیت نسبی است که فرد را از اتلاف وقت و سرمایه دور می‌کند. قبح اجتماعی در بین عشایر اسراف در خوراک و پوشاک و تجملات است و ارزش اجتماعی به پس‌انداز و داشتن گوسفند، خانه، زمین و مغازه است.

جوان چوبدار عشایر در این باره می‌گفت: «روستایی‌ها پولشون رو خراب می‌کنن، خرجش می‌کنن. پدر من پول رو الکی خراب نمی‌کنه ولی روستاییان چرا. پدرم اگر قرار باشه یک میلیون هزینه کنه، ۱۰۰ تومن خرج می‌کنه. تو فکر آینده خودش و بچه‌هاش هست. روستاییان روزی یک مد عوض می‌کنن. دنبال مد هستن (می‌خندد) این کارها، کارهای اضافه‌س. پس‌انداز با این جور کارها از بین می‌ره. من حاضر نیستم این جور کارهایی بکنم. من اگر الان پولی داشته باشم دوست دارم یک خونه بخرم. خونه هم دارم، ولی پسرعمو هام هر کدوم یک خونه دیگه هم دارن. زشته، من هم باید یکی دیگه داشته باشم».

پاسخ‌هایی که در مورد دیدگاه این افراد نسبت به تلاش و کوشش برای زندگی و راضی کردن نفس (خود) از درآمد در میدان عشایر به دست آمد، نشانگر این هنجار بود که آن‌ها استراحت کردن و یا مصرف سرمایه برای هزینه‌های مصرفی شخصی خود از جمله خوراک و پوشاک را امری ناپسند دانسته و در مقابل اگر از نظر مالی نسبت به خویشاوندان خود احساس کمبود کنند، احساس محرمیت نسبی زیادی خواهند داشت. چنین هنجاری در بین نسل بزرگسال در رابطه با میزان دارایی‌هایی که برای فرزندان خود تأمین می‌کنند، وجود دارد. به عبارت دیگر، یکی از محل‌های رقابت نسل بزرگسال عشایر با سایرین، صرف هزینه‌های شخصی و حتی خوراک و پوشاک کمتر است تا بدین وسیله بتواند دارایی بیشتری برای فرزندان خود نسبت به سایرین تهیه کند و به ارث بگذارد. چنین هنجاری از نسل بزرگسال به جوانان نیز انتقال یافته و افراد این نسل از عشایر حتی با شدت بیشتری به دنبال سرمایه‌گذاری و کسب درآمد و سرمایه‌گذاری مجدد این درآمد بدون اتلاف آن به وسیله هزینه‌های اضافی (حتی خوراک و پوشاک) هستند. اینان نه صرفاً برای تأمین آینده فرزندان، بلکه عمدتاً در جهت کسب هر چه بیشتر دارایی و سرمایه نسبت به خویشاوندان و جا نماندن از قافله داشتن خانه، زمین و مغازه هر چه بیشتر است.

جوان چوبدار عشایر در این باره می‌گفت: «من میگم آدم باید چیزی پس‌انداز کنه که فردا حرف بدی پشت سرت نزنن. مثلاً بگن که هیچ کاری نکرد، فقط خورد و خوابید شاید گله دار روستایی پولشون رو خراب می‌کنن، خرجش می‌کنن».

نسل جوان عشایر که شامل فرزندان غالباً چوبدار نسل بزرگسال هستند به هیچ‌وجه مشابه پدران خود به دام و شغل نگاه نمی‌کنند. این عاملان اجتماعی به هیچ‌وجه وابستگی پدران خود را به دام ندارند و به راحتی و در ازای پول بیشتر حاضرند بهترین گوسفندان خود را بفروشند (امری که نسل بزرگسال به هیچ‌وجه آن را بر نمی‌تابد). همان‌گونه که بیان شد، این نسل دام را صرفاً به عنوان یک کالای اقتصادی قابل تبدیل نگاه می‌کند. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که تربیت ضمنی آن‌ها در میدان عشایری تنها سبب تأثیرپذیری اقتصادی آن‌ها از زندگی عشایری شده و روح وابستگی به دام جای خود را به دو تا چهارتای اقتصادی داده است. به سخن دیگر، همان

اتفاقی که برای پیروان مذهب پروتستان افتاد و مذهب پروتستان عامل از بین برنده خود که همان روح سرمایه‌داری را در خود به صورت بالقوه پرورش داد، میدان عشایری نیز عامل از بین برنده خود که همان نگاه صرفاً اقتصادی به امور است را در خود پرورش داده و وابستگی عاطفی به دام را به حاشیه رانده است. ناگفته نماند که این نسل از عشایر روحیه‌ای بشدت اقتصادی داشته و تمام تلاش خود را برای افزودن به دارایی خود انجام می‌دهد و از درآمدی که دارد نه برای خوشگذرانی (هرچند که در شهر با تمامی تأثیرات نظام مصرفی و شهری بر آن‌ها زندگی می‌کنند) بلکه برای سرمایه‌گذاری مجدد و کسب پول بیشتر استفاده می‌کند. جوان چوپدار عشایر در این باره می‌گفت «اگر دو برابر پول گوسفندم رو بهم بدن اونو می‌فروشم اون وقت حتی بیشتر هم درمیارم. باهاش معامله می‌کنم».

قرینه‌ی هنجارهای اقتصادی عاملان اجتماعی میدان عشایری را می‌توان در سایر ابعاد زندگی اجتماعی نیز ردیابی کرد. به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه این میدان منافع خاص خود را دارد و عاملان اجتماعی درون آن برای کسب آن منفعت با سرمایه‌هایی که در اختیار دارند در حال رقابت هستند، همان سرمایه‌ها، تشکیل‌دهنده عادت‌واره‌ای هستند که جهت‌گیری این عاملان را در جنبه‌های مختلف زندگی به سمت‌وسوی مشخصی هدایت می‌کنند. از آنجاکه عادت‌واره عاملان اجتماعی در میدان عشایری تقریباً مشابه هم است، جهت‌گیری‌های آن‌ها نیز به سمت‌وسوی خاصی گرایش دارد. همان‌گونه که اشاره شد، عاملان اجتماعی میدان عشایری به دنبال انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد این سرمایه در قالب خانه، زمین و مغازه هستند؛ نیازها و علایق این عاملان نیز در همسویی کامل با این هنجارهای اقتصادی است. زمانی که از علایق این عاملان پرسش می‌شود، نسل بزرگسال به داشتن گوسفندان، خانه‌ها، مغازه‌ها و زمینهای بیشتر اشاره می‌کنند. چنین علایقی منهای داشتن گوسفندان بیشتر را برای نسل جوان عشایر نیز می‌توان عنوان کرد.

### موضع‌گیری نسبت به رفع نیازها و فراغت در میدان عشایری

در بحث نیازها نیز نسل بزرگسال غالباً نیاز ضروری خود را دانستن رانندگی و داشتن گواهی‌نامه عنوان می‌کند که بتواند ماشین باری برای خود تهیه کند که در جابه‌جایی زمان کوچ و در مواقع ضروری برایش مفید باشد. نسل جوان عشایر نیازهای خود را عموماً داشتن دارایی زیادتر و ارتقاء ماشین خود از ماشین باری سبک (وانت) به ماشین باری سنگین‌تر (نیسان و خاور) می‌داند. مرد میانسال عشایر در این باره می‌گفت: «به موتور برق نیاز دارم، برای راحتی، ماشین (وانت) داشته باشه، موتور داشته باشه، انبار خوب داشته باشی، برای زمستون اتاق خوبی داشته باشی. اسب هم خوبه داشته باشی، یه جورایی اعتبار داره، نما داره، خوبه که دم در خونه یک اسب داشته باشی، مرتع خوبی داشته باشی». عاملان اجتماعی میدان عشایری علاوه بر طول که

روز که مشغول چرای گوسفندان هستند در شب نیز از بیم دزد از آن‌ها نگهداری می‌کنند. درواقع، نوع شغل و زندگی این عاملان سبب شده که امکان استراحت و تفریح چندانی را نداشته باشند و تمام طول سال را به کار و فعالیت در رابطه با گوسفندان بگذرانند. غالباً تفریح و گذراندن اوقات فراغت عشایر نیز در ارتباط با شغل آنها که همان گله‌داری است اتفاق می‌افتد.

مرد میانسال عشایر در این باره می‌گفت «تفریح من اینه که کنار گوسفندهام باشم. آدمی که گله‌داری کنه، تفریحش خیلی کم است. تفریح‌مون اینه که صبح میریم گوسفندها رو می‌بریم چرا و شب برمی‌گردیم».

جوان چوبدار عشایر در رابطه این موضوع می‌گفت «الان از صبح تا ظهر با گوسفندها و بره‌ها هستیم، بعد سه، چهار ساعت ظهر استراحت داریم، بعد تا غروب به بره‌ها و گوسفندها می‌رسیم، شب هم که نگهداری گوسفندها را می‌کنیم».

## نتیجه‌گیری

پرورش گوسفند برای عشایر نه‌تنها به عنوان عاملی شناخته می‌شود که حیات اقتصادی آن‌ها به آن وابسته است، بلکه هدف و اساس زندگی نیز است و به‌نوعی معنای زندگی را برای عشایر برآورده می‌کند. نگاه عشایر به دام فراتر از بهره‌وری صرف اقتصادی از گوسفندان است. نسل بزرگسال عشایر حتی سیر بودن گوسفندان را به سیر بودن خود ترجیح می‌دهند و تمام تلاش شبانه‌روزی خود را صرف تأمین خوراک و نگهداری از گوسفندان می‌کنند. حتی هزینه کردن و خوب نگهداری کردن از گوسفندان یکی از مهم‌ترین عوامل اعتبار بخش برای فرد در میدان عشایری است. دیدن گوسفندان در حالت سالم و پرور و سیر برای آن‌ها شوقی وصف‌ناپذیر به همراه دارد که فراتر از دو تا چهارتای اقتصادی در مورد قیمت آن‌ها است. بخش اعظم هزینه‌های عشایر صرف تأمین هزینه‌های نگهداری از گوسفندان می‌شود. اولویت اول زندگی نسل بزرگسال عشایر یا هدف آن‌ها در زندگی پرورش دام است و حاضر به تعویض این شغل با هیچ نوع شغل دیگری نیستند. پرسش از فروش گوسفندان از آن‌ها گنگی و استیصال در پاسخ را برایشان به همراه دارد چراکه تصویری از زندگی بدون پرورش گوسفند در مخیله آن‌ها خطور نکرده است. این سبک زندگی برای آن‌ها عادت‌واره‌ای مقتصدانه به همراه داشته است، به‌طوری‌که هزینه‌های مصرفی و تجملی آن‌ها در حد صفر و هزینه‌های خوراک و پوشاکشان در حد زیست و بقا است و بیشتر درآمد آن‌ها در قالب خرید خانه و زمین برای ساخت خانه و مغازه سرمایه‌گذاری می‌شود و این همان تداوم و عادت‌واره شدن اقتصاد سنتی عشایری برای نسل بزرگسال است. نسل جوان عشایر دارای عادت‌واره‌ای مقتصدانه‌تر از نسل بزرگسال عشایر است. این عاملان اجتماعی به دام به‌صرف کالایی اقتصادی نگاه می‌کنند که برایشان سود و درآمد به همراه دارد و به‌هیچ‌وجه شدت وابستگی والدین خود را به دام ندارند و به‌راحتی و در ازای پول

بیشتر حاضر به فروش گوسفندان هستند. زندگی این افراد نیز وابسته به دام است و سرمایه خانوادگی «داشتن خانواده عشایر» در این راه عامل متمایزکننده آن‌ها نسبت به سایر چوب‌داران است و سبب شده با هزینه کمتر درآمد بیشتری کسب کنند. این عاملان اجتماعی به واسطه تغییرات روی داده در ارزش‌های جامعه و تغییر نگاه عشایر نسبت به آینده فرزندان و ممانعت از ازدواج دختر با پسری که زندگی عشایری به شیوه کوچروی دارد، شهرنشین شده‌اند ولی کماکان زندگی‌شان وابسته به دام است. این عاملان دارای عادت‌واره‌ای اقتصادی‌تر از والدین خود هستند به طوری که تمام دغدغه آن‌ها به دست آوردن درآمد بیشتر و خرید خانه، زمین و مغازه بیش از سایر خویشاوندان عشایرشان است. از آنجاکه این افراد تعداد فرزندان کمتری دارند و یا می‌خواهند داشته باشند دیگر توجیه خرید خانه بیشتر برای فرزندان پسر که انگیزه پدران آن‌ها برای کسب درآمد بیشتر است برای آن‌ها موضوعیت ندارد بلکه در اینجا افزایش سرمایه و مکتب اقتصادی است که توجیه‌گر تلاش اقتصادی آنان است. عادت‌واره اقتصادی نسل جوان عشایر که مستلزم هزینه بسیار اندک در حد بقا و سرمایه‌گذاری درآمد و سود و به‌موازات آن کار و تلاش بیشتر است به نوعی به تربیت ضمنی آن‌ها تبدیل شده و به واسطه زندگی در میدان عشایری به دست آمده است با این تفاوت که به‌مانند والدین خود به دام دل‌بستگی عاطفی ندارند. نوع عادت‌واره‌ای که عاملان اجتماعی درون میدان عشایری دارند بسیار مقتصدانه است. عاملان این میدان در نهایت هزینه کم، پس‌انداز درآمد، تلاش بیشتر و استراحت کمتر هستند. اینان پرورش دام را نه به دید صرفاً اقتصادی آن بلکه هدف و معنای زندگی در نظر می‌گیرند و این عادت‌واره اقتصادی سبب شده آن‌ها مدام در حال تلاش و کوشش بوده و با صرف کمترین هزینه بیشترین بهره اقتصادی را نصیب خود کنند. این عاملان نسبت به شغل و زندگی و دام‌های خود چنان وابستگی عاطفی‌ای دارند که توان تصور زندگی به شیوه‌ای دیگر برایش ممکن نیست. آن‌ها به دنبال سود اقتصادی نیستند ولی عادت‌واره آن‌ها سبب شده که نتیجه کار و اعمال آن‌ها منجر به سود سرمایه‌گذاری اقتصادی شود و از اتلاف سرمایه اجتناب ورزند. نسل جوان نماینده تغییر در حین تداوم عادت‌واره اقتصاد سنتی عشایری است. اصول اصلی کسب درآمد را تداوم داده، و تغییراتی را نیز در نگاه اقتصادی ایجاد نموده است. پرورش گوسفند بیشتر، یکی از معیارهای اعتبار بخش در این میدان است، یکی دیگر از این معیارها صرف هزینه بیشتر و نگهداری بهتر از گوسفندان است که این معیارها خودبه‌خود و بدون برنامه‌ریزی قبلی سبب افزایش درآمد و سود اقتصادی می‌شود؛ در واقع در میدان عشایر محدودیت در مصرف اقلام تجملی و مصرفی با آزادی فعالیت مال‌اندوزانه تلفیق شده است که نتیجه عملی اجتناب‌ناپذیر آن روشن است: ایجاد سرمایه اقتصادی از طریق میل غیرقابل مقاومت ریاضت‌کشی به پس‌انداز (مقایسه کنید با وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری). محدودیت‌های تحمیل شده بر مصرف تجملی ثروت طبیعتاً به افزایش آن از طریق امکان‌پذیر ساختن سرمایه‌گذاری مولد خدمت می‌کند. علاوه بر این در میدان عشایری پس‌انداز در قالب خرید خانه، زمین برای ساخت خانه و مغازه از مهم‌ترین

معیارهای اعتبار بخش عشایر است که دارایی بیشتر در این زمینه‌ها باعث احترام و اعتبار بیشتر فرد می‌گردد.

## منابع

بورديو، پی‌یر (۱۳۸۴). *نظریه کنش دلایل عملی انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.

تیموری، عباد، رنایی، محسن، معرفی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۶). نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب: اقتصاد رفتاری، آزمایشگاهی و علوم مغزی، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال بیست و دوم، شماره ۷۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱-۴۳.

تاپر، ریچارد (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان*، ترجمه حسن اسدی، تهران: اختران.

جانباللهی، محمد سعید (۱۳۹۱). زیست اقتصادی عشایر؛ مطالعه موردی عشایر هداوند، فرهنگ مردم / *ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۱*، شماره‌های ۲۸ و ۲۹، ص ۱۶۹-۱۹۰.

خالقی‌فر، مجید، قاسمی، وحید، همتی، رضا (۱۳۹۵). تاثیر حکمروایی خوب بر کنش اقتصادی کارآفرینان (مورد مطالعه: کارآفرینان استان همدان)، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱-۳۹.

خالقی‌فر، مجید، قاسمی، وحید، همتی، رضا، فرهنگ‌مندی، شکوفه (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی هزینه مبادله و تاثیر آن بر روی کنش اقتصادی کارآفرینان، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و چهارم، شماره ۷۵، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۹۱-۲۱۷.

صیدزاده، حیدر، رضایی، جعفر (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر درآمد عشایر اسکان یافته در استان ایلام، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۴۳-۱۶۲.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران: مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۹-۵۳.

منظور، داود، سعیدی، علی، مقصودی، حمیدرضا (۱۳۹۲). اصول موضعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.

وبر، ماکس (۱۳۷۳). *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

Bourdieu, Pierre (2000). "Making the economic habitus algerian workers revisited", *Ethnography*, vol 1 (1), pp 17-41.



- Barth Fredrik (1961). **Nomads of South Persia: The Basseri Tribe of the Khamseh Confederacy**, Boston: Little, Brown and Co.
- Hanappi. Doris (2011). “Economic Action, Fields And Uncertainty”, **Journal Of Economic Issues**, vol. XIV no. 4 december 2011, pp785-803.
- Fraysse. Mélie, Mennesson. Christine (2016). “Professional Habitus And Theconstruction Of Gender: Thecase Of Male Journalists For Sports Magazines In France”, **Journal of Sport and Social Issues**, Vol. 40(5) pp387– 409.
- Salzman, Philip. (2002). Pastoral Nomads: Some General Observations Based on Research in Iran. **Journal of Anthropological Research**. 58. 245-264. 10.1086/jar.58.2.3631038.
- William Irons (1975). **The Yomut Turkmen: A Study Of Social Organization Among A Central Asian Turkic-Speaking Population**, The University Of Michigan
- Zelizer A. Viviana (2011). **Economic Lives: How Culture Shapes The Economy**, Princeton, Princeton University Press.

